

به کودک و نوجوان باشد بقیه کارهایم اغلب فیلم و سریال‌های مربوط به ژانرهای دیگر بوده.

### از آن جا که شما در حال حاضر در عنوان جوانی هستید و بیشتر تجربه بازیگری تان مربوط به دوران کودکی و نوجوانی است، بزرگ‌ترین دغدغه بازیگرهای این سن و سال را چه چیزی می‌دانید؟

چه در زمانی که خودم در این برهه سنی بودم و چه حالا، باید بگویم دغدغه اصلی بازیگران این سنین مربوط به دوران نوجوانی آن‌هاست. چون از یک زمان و از یک سنی به بعد مثلاً زمانی که ۱۲، ۱۳ سالگی را رد می‌کنیم یک‌باره همه چیز ۱۸۰ درجه تغییر می‌کند. دیگر آن پیشنهادات کاری را نداری، دیگر آن توجه‌ها را نداری، دیگر فراموش می‌کنند که تو بازیگر بودی، حتی اگر پیش از آن نقش‌های خیلی خاص و فوق‌العاده‌ای بازی می‌کردی. خوب در چنین شرایطی با توجه به روحیه و شرایط سنی، خیلی سخت است که بتوانی مسیر را همچنان ادامه دهی و این در سینما بارها بوده و دیده شده، بازیگرهای کودکی که مستعد بوده‌اند و خیلی خوب بوده‌اند و یک‌باره می‌بینی که دیگر نیستند.

### اغلب هم دچار افسردگی می‌شوند.

خیلی خیلی و فکر می‌کنم هر چه قدر که آن‌ها مستعدتر باشند یا تجربه بازی دوران کودکی‌شان بیشتر باشد، افسردگی‌شان هم بیشتر خواهد بود. چون یک دوران شلوغ و پرهیاهویی را گذرانده‌اند، خیلی محبوب بوده‌اند بین آدم‌ها، خانواده، همه‌جا و یک‌باره همه آن انرژی قبل می‌خواهد. واقعا سکوت مطلق می‌شود.

### شما هم تجربه این افسردگی را داشته‌اید؟

بله برای من هم کم و بیش پیش آمده البته این نکته را هم بگویم که به نظرم یکی از دلایل این اتفاق، این است که ما شخصیت‌ها و نقش‌های نوجوان خیلی خیلی کمی در سینمای مان داریم. به‌ر حال این دوره سن بلوغ بچه‌هاست هم چهره‌ها در حال تغییر است و هم صدا. من هم مثل بقیه در این سن پیشنهادات کاری کمتری داشتم نسبت به دوران قبل از ۱۳، ۱۴ سالگی که شرایط طوری بود که خودم باید انتخاب می‌کردم که کدام نقش را قبول کنم و به کدام پروژه بروم. به همین دلیل برای من هم این احساس افسردگی کم و بیش



نمی‌کنم. جدا از این، سینما حرفه‌ای نیست که شما در تمام فصل‌ها، در تمام سال‌ها و همیشه سرکار باشید، نه ممکن است مثلاً دو سه سال پیشنهادهای خیلی خوبی داشته باشید و پشت سر هم کار کنید، یک‌سال بعد پیشنهادهای اصلاً باب میل شما نباشد و کار نکنید. بنابراین اگر بخواهید برای درآمد زندگی به آن تکیه کنید گاهی مجبور به قبول نقش‌هایی می‌شوید که شاید دوستشان نداشته باشید و صرفاً به خاطر هزینه مخارج زندگی آن را بپذیرید. در حالی که این قضیه برای من خیلی اهمیت دارد که وقتی متن کاری که قرار است در آن حضور داشته باشم را می‌خوانم حالم با آن خوب باشد و حس خوبی به آن پروژه داشته باشم. زمانی که این حس خوب را نداشته باشم، آن نقش را قبول نمی‌کنم. به همین دلیل برای داشتن یک شغل خوب در کنار کار در سینما، رشته مهندسی عمران را انتخاب کردم تا در کنار شغلم هر زمان نقش خوب و باب‌میلی پیشنهاد شد بپذیرم و کار کنم، زمانی هم که پیشنهاد کاری که باب دلم باشد، دریافت نکردم صبر کنم و از روی اجبار کاری را قبول نکنم. در واقع برای تحصیل، رشته سینما را انتخاب نکردم چون سینما برای من عشق و هنر است نه شغل و واقعاً بهترین ساعت‌های زندگی من، لحظاتی است که در حال ایفای نقش در هر کاری هستم. دلم می‌خواهد همیشه همین‌طور باشد و در تمام پروژه‌ها کارم را با لذت و حال خوب انجام دهم نه با اجبار و حس بدی.

### الان در پروژه‌های مشغول هستید؟

بله برای بازی در یک سریال نمایش خانگی قرارداد بسته‌ام که الان در مرحله پیش تولید است و هنوز فیلمبرداری آن شروع نشده. فکر می‌کنم از این‌جا به بعد که دیگر وارد سن جوانی شده‌ام، این مسیر جدی‌تر است و سعی می‌کنم در انتخاب شرایط، فضاها و نقش‌ها دقت بیشتری داشته باشم تا انتخاب‌های گزیده و سنجیده‌تری داشته باشم.

### امیدوارم که در این مسیر همچنان بدرخشید. اگر صحبت خاصی برای حرف آخر دارید، بفرمائید.

دلم می‌خواهد سینمای ما به سمتی برود که به جوان‌ترها و افرادی که تازه می‌خواهند وارد این محیط شوند، فضای بیشتری داده شود. چون اگر توجه کنید در اغلب فیلم‌های ما، قهرمان داستان بین سی تا چهل‌و خرده‌ای سال سن دارد. همین‌ا و از شما ممنونم بابت این که من را برای این گفتگو در نظر گرفتید.

پیش آمده اما شاید یکی از شانس‌هایم این بود که در آن دوران صدا و چهره‌ام زیاد تغییر نکرد و دچار تغییرات خیلی عجیب و غریبی نشدم، باز هم روند و تداوم کاری‌ام را داشتم و سالی نبود که در پروژه‌های حضور نداشته باشم. کارم نسبت به قبل کمتر شده ولی سعی کردم که هر طور شده این مسیر را ادامه دهم و یک‌جایی یک‌باره ایست نکنم که بعد از آن ایست دیگر نتوانم با فضای کاری ارتباط بگیرم، سعی کردم در فضا بمانم و به کارم ادامه دهم.

### با وجود این میزان علاقه و اهمیتی که بازیگری برایتان دارد، چرا برای تحصیلات دانشگاهی رشته مهندسی عمران را انتخاب کردید؟ با چنین علاقه و پشتکاری بیشتر تصور می‌شد که انتخابتان برای تحصیل در دانشگاه هم رشته بازیگری یا نهایتاً یکی از شاخه‌های هنر باشد.

حقیقت ماجرا این است که بله من به حرفه بازیگری علاقه داشتم و دارم. اصلاً یک نیاز اساسی زندگی من است. به خاطر این که از وقتی خودم را شناختم همیشه همراهم بوده از طرفی واقعا برایش تلاش کرده‌ام، از همان سن کم تمام سعی‌ام بر این بود تا بین آن و مدرسه رفتن و درس خواندن تعادل ایجاد کنم و چیزی نیست که هیچ‌وقت دلم بخواهد از آن دست بکشم اما همیشه سینما را یک عشق و یک هنر می‌بینم و هیچ‌وقت به جنبه شغل و منبع درآمد به آن نگاه



این وقفه به قدری طول کشیده بود که وقتی بالاخره سریال پخش شد و رسید به بخش‌هایی که من در آن بازی داشتم، انگار که خودم هم داشتم یک سریال جدید را تماشا می‌کردم! خیلی از سکانس‌ها را اصلاً به یاد نداشتم، ذهنم یاری نمی‌کرد که اتفاقات مربوط به آن بخش‌ها را به خاطر بیاورم. مثلاً با دیدن یک جا‌هایی از فیلم، می‌گفتم چه با مزه!